



اندیشکده فرهنگ و توسعه

یادداشت



نویسنده: تام سرویس

منبع انتشار: The Guardian

تاریخ انتشار: ژوئیه ۲۰۲۶

از ضربات پنالتی تا پاواروتی، و از بکام تا بروکنر:
موسیقی کلاسیک و فوتبال بسیار نزدیک‌تر از آن چیزی‌اند که تصور می‌کنید



جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه؛ آخرین باری که اسکاتلند در جام جهانی برابر مراکش قرار گرفت — همان دیداری که این جمعه نیز تکرار می‌شود — و در مسابقه‌ای سرنوشت‌ساز با نتیجه سه بر صفر شکست خورد. (البته گل پیروزی‌بخش جان مک‌گین مقابل هائیتی در بوستون، یکشنبه گذشته، همه آمارهای اخیر را دگرگون کرده و این بار تیم را در مسیری تقریباً قطعی به سوی افتخار قرار داده است. بدیهی است).

اما نشانه‌های شوم سرنوشت اسکاتلند را می‌شد از همان آهنگ‌هایی که هوادارانش در آن جام جهانی می‌شنیدند نیز خواند. ترانه اسکاتلند در آن سال شاهکار اندوه‌بار گروه Del Amitri با عنوان *Don't Come Home Too Soon* («زیادی زود به خانه نرگرد») بود؛ شاید غمگین‌ترین، صادقانه‌ترین و شاعرانه‌ترین ترانه‌ای که تاکنون برای جام جهانی نوشته شده است. افسوس که تیم به آن گوش نداد. از سوی دیگر، تیتراژ برنامه‌های جام جهانی ۱۹۹۸ شبکه بی‌بی‌سی نیز با قطعه *Pavane* اثر گابریل فوره همراه بود؛ موسیقی‌ای که حال‌وهوای مخاطب را از اندوه به بی‌تفاوتی می‌رساند. (البته انگلیس هم عملکرد چندان بهتری نداشت؛ با وجود جشن خیابانی سوررئال *Vindaloo* (سرود غیررسمی «انگلند») و رضایت خاطر *Three Lions*، این تیم نیز پس از اخراج دیوید بکام مقابل آرژانتین، در مرحله یک‌هشتم نهایی حذف شد).

استفاده بی‌بی‌سی از موسیقی فوره برای فوتبال، ادامه سنتی دیرینه بود؛ سنتی که در آن فوتبال و موسیقی کلاسیک همواره در کنار یکدیگر بوده‌اند، درست همان‌گونه که اسکات مک‌تامینای و ضربات قیچی‌برگردان باشکوهش به هم می‌آیند. سهم ادوارد الگار در میراث موسیقایی باشگاه ولورهمپتون و اندررز دیگر بر سکوه‌های ورزشگاه خوانده نمی‌شود، اما قطعه او با عنوان *He Banged the Leather for Goal* («او توپ چرمی را به سوی دروازه کوبید!»)، که بر اساس عبارتی از گزارش یکی از مسابقات تیم محبوبش، ولوز، ساخته شده بود، شاید نخستین سرود اختصاصی فوتبال باشد که توسط یک آهنگساز بزرگ نوشته شده است؛ اثری متعلق به سال ۱۸۹۸. (این قطعه همچنین از نظر هارمونیک بسیار متراکم و از لحاظ کروماتیک پیچیده است).

دیمیتری شوستاکوویچ نیز شیفته فوتبال بود و با تمام وجود از تیمی حمایت می‌کرد که امروز با نام زنیت سن‌پترزبورگ شناخته می‌شود. این علاقه در سال ۲۰۱۶، هم‌زمان با نودمین سالگرد باشگاه زنیت، با اجرای برنامه‌ای پیش از مسابقه با محوریت شوستاکوویچ گرامی داشته شد؛ برنامه‌ای که الهام‌بخش تیم شد تا اسپارتاک مسکو را با نتیجه ۴ بر ۲ شکست دهد. همچنین کافی است موومان مارش فوتبال از باله عصر طلایی (۱۹۳۰) اثر شوستاکوویچ را بشنوید تا دریابید چگونه او در قالب صدای ارکستر، هیجان نمایشی و انرژی پرهیاهوی یک تیم فوتبال را بازآفرینی کرده است؛ قطعه‌ای که با سوت داور آغاز می‌شود و سپس به آشوب درون زمین مسابقه فرو می‌رود.

اما لحظه‌ای که فوتبال و موسیقی کلاسیک را به شکلی ماندگار به هم پیوند زد، تابستان سال ۱۹۹۰ بود؛ زمانی که بی‌بی‌سی اجرای لوسیانو پاواروتی از آریای *Nessun Dorma* را به عنوان موسیقی اصلی پوشش جام جهانی خود برگزید. این آریا از واپسین اپرای پوچینی، توراندوت، گرفته شده است. عنوان *Nessun Dorma* به معنای «هیچ‌کس نخوابد» است و روایتگر تمنای کالاف برای بیدار ماندن است. شاهزاده توراندوت تنها یک شب فرصت دارد تا نام واقعی او را کشف کند. اگر موفق شود، می‌تواند او را اعدام کند؛ اما اگر نتواند هویت خواستگارش را دریابد، ناچار است با او ازدواج کند و کالاف پیروز خواهد شد. (هشدار برای افشای پایان داستان: در پایان اپرا، کالاف قلب توراندوت را به دست می‌آورد).

با این حال، هیچ‌یک از این زمینه‌های داستانی در اهمیت نت‌های زیر پایانی آریا — نت‌های «لا» و «سی» — نقشی نداشت؛ همان بخش‌هایی که سه تنور نیز در کنسرت شب پیش از فینال جام جهانی ایتالیا ۹۰ در رم، به صورت سه



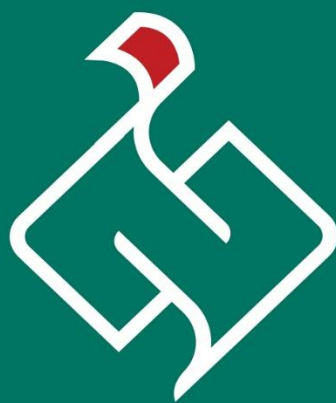


کالاف هم‌زمان اجرا کردند. جالب آنکه در سنت اجرایی این اثر، پدیده‌ای عجیب رخ داده است: مشهورترین و بلندترین نت آریا، یعنی نت «سی» پایانی، در نسخه اصلی پوچینی تنها یک دولاچنگ با اندکی کاهش سرعت علامت‌گذاری شده است؛ یعنی باید نت بسیار کوتاهی باشد. اما همان عبارت مشهور «Vincerò» («پیروز خواهم شد») در اجرای پاواروتی و دیگر تنورها به اندازه یک میزان کامل و حتی بیشتر کشیده می‌شود؛ ده‌ها برابر طولانی‌تر از آنچه پوچینی در نظر داشته بود. تنورها، بالاخره، آواز می‌خوانند و از لحظه اوج نیز نهایت بهره را می‌برند. و سرانجام آلمان نیز واقعاً پیروز شد و آرژانتین را با نتیجه یک بر صفر شکست داد.

نمونه امروزی این پیوند پایدار میان موسیقی کلاسیک و فوتبال را می‌توان در پدیده فراگیر Seven Nation Army از گروه The White Stripes دید؛ سرودی که امروز از مسابقات باشگاهی تا دیدارهای ملی، از بروژ تا بوستون، در ورزشگاه‌ها طنین‌انداز می‌شود. (همه‌چیز از باشگاه کلوب بروژ در سال ۲۰۰۳ آغاز شد.) و همان‌گونه که همه می‌دانند، گفته می‌شود جک وایت ریف مشهور این قطعه را از موومان نخست سمفونی پنجم بروکنر الهام گرفته است؛ هرچند این داستان، با وجود جذابیتش، حقیقت ندارد. وایت این ریف را هنگام تنظیم صدا در ملبورن ساخت، هرچند ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه از سمفونی بروکنر تأثیر پذیرفته باشد.

با این همه، این پیوند موسیقایی واقعی است. بنابراین، حتی اگر بی‌بی‌سی و آی‌تی‌وی در تیتراژهای جام جهانی امسال هرگونه ارجاع به موسیقی کلاسیک را کنار گذاشته باشند، نمی‌توانند بروکنر را از سکویای ورزشگاه بیرون ببرند





 WWW.CDSTT.IR

 [CDSTT.IR](https://www.instagram.com/cdstt.ir)

 [CDSTT](https://twitter.com/cdstt)